



سوره مبارکه مؤمنون

جلسه دوم: ۹۲/۸/۱۸

مراحل زندگی:

✓ اثبات (در صدد مقصدسازی)

✓ مرحله آخرش را نشان دادن (مقصد)

- هنگامی که اثبات می‌شود زندگی به صورت مرحله، مرحله است و سپس مرحله آخر نشان داده می‌شود به این معناست که مرحله آخر به عنوان مقصد به افراد معرفی می‌شود.

- اگر کسی بپرسد مقصد در زندگی انسان چیست؟ باید در پاسخ گفت: به سوره مؤمنون مراجعه کن زیرا این سوره مقاصد انسان در زندگی را بیان کرده است. یعنی آخرین مرحله از زندگی انسان را بیان کرده است.

- بنابراین موضوعاتی که در سوره مبارکه مؤمنون مهم است عبارتند از:

(۱) تبیین مراحل زندگی

(۲) مقاصد در زندگی (زندگی را از حالت عبث بودن خارج کردن)

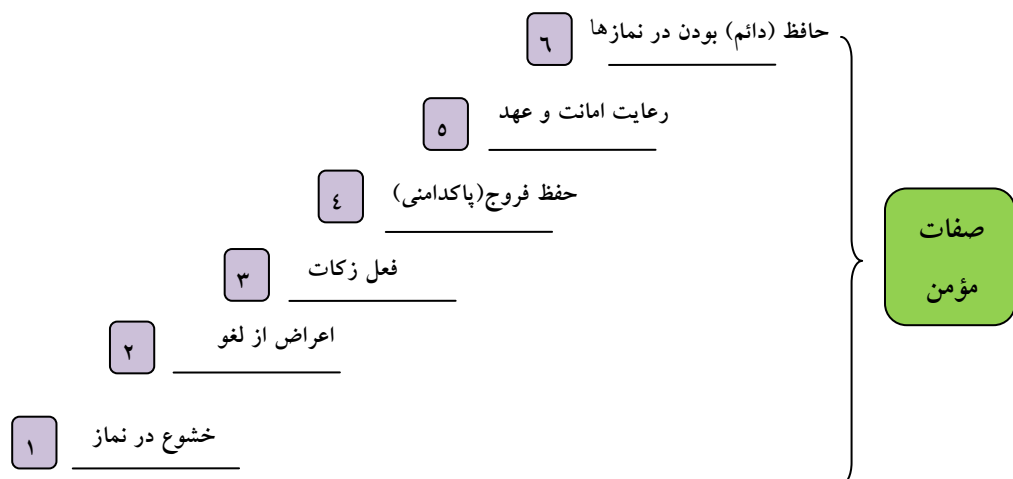
- سیستم بیان آیات نیز بر اساس دو رویکرد بالاست و در همه آیات این دو رویکرد دیده می‌شود.

- مثال: راجع به مؤمنون در آیات این گونه آمده است:

✓ مؤمن کسی است که به «فلاح» می‌رسد.

✓ سپس صفات مؤمن را تک تک بیان کرده است. (صفات مؤمنین به ترتیب نمودار زیر از پایین به بالا تولید می‌شود و مجموعه

این صفات، «انسان مؤمن» است.)



- توجه: «فعل زکات» با زکات دادن، متفاوت است.

- مراحل (۱ تا ۶) مانند این است که مؤمنی را سن دار می‌کنیم.

- هر کدام از این مراحل خصوصياتی منحصر به خود دارند:

خشوع در نماز: (حوزه عبادت فردی)

- ✓ خشوع در نماز به معنای «اهتمام داشتن به مجموعه عبادات» است.
- ✓ نماز نمادی برای اهتمام داشتن به «حلال‌ها و حرام‌های الهی» است.
- ✓ اهمیت ذکر
- ✓

- هر کسی باید نماز خود را در نظر گیرد و خودش را با نماز تنظیم کند.

- نماز شاقول بسیار مناسبی است و به ما می‌گوید که در مدار هستیم یا خارج شده‌ایم.

- کاربردترین موضوع در خودسازی و خودشناسی «کار کردن روی نماز» است. زیرا نماز مدل هر خیری در زندگی انسان است.

- اگر کسی تمام وقایع عاشورا را تحلیل کند در می‌یابد که همه وقایع بر اساس مدل کاملی از نماز بوده است.

- به بیان بسیار آسان، «خشوع در نماز» یعنی انسان حضور قلب داشته باشد و بداند چه انجام می‌دهد. بداند معنای تک‌تک کارهایی را که در نماز انجام می‌دهد و بدون مقصد آنها را انجام ندهد. وقتی رکوع می‌کنیم مقصد داشته باشیم یعنی قصد می‌کنیم و به رکوع می‌رویم.

اعراض از لغو: (حوزه هدفمندی)

- ✓ مربوط به «برنامه‌ها و مقصد داشتن‌ها» است.
- ✓ جهت‌گیری‌های کلی و جزئی در زندگی را نیز شامل می‌شود.
- ✓ هدر دادن فرصت‌ها و نعمت‌ها را داراست.
- ✓ «نعمت و شکر» در اینجا بسیار مهم است. (زیرا لغو است که باعث می‌شود انسان نعمت‌هایش را هدر دهد).

- فعل زکات: (حوزه روابط اقتصادی)

- ✓ اهتمام به دیگران (فرد باید از خود محوری خارج شود)
- ✓ سخاوتمندی
- ✓ بروز دارایی‌ها و توانایی‌ها

- حفظ فروج (پاکدامنی): (حوزه روابط خانوادگی)

✓ همه مراعات‌های مربوط به غرائز، بالاخص با تأکید به غریزه جنسی در این حوزه قرار دارد.

- این موضوع شامل تمامی مراحل می‌شود از کنترل ذهنی گرفته تا بقیه موارد.

- هیچ‌کس نباید تا آخر عمر، خود را مصون و محفوظ از این موضوع بداند.

- رعایت امانت و عهد: (حوزه روابط سیاسی اجتماعی)

- عهد قرارها و قراردادهایی است که برای حُسن انجام کار برای سند جامع بسته شده است. (سند: قرآن، روایت)

✓ در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی است.

✓ قرارهای اعتباری برای مؤمن مهم است.

✓ موضع‌گیری‌ها نیز برای او مهم است.

✓ حُسن انجام وظایف مهم است که «تدبیر» در این لایه اهمیت بسیار دارد.

- توجه: ممکن است در بعضی از مواقع «حق» را شناسیم اما اگر از باطل اعراض کنیم و براءت جوییم، به طور طبیعی حق را به ما

نشان خواهند داد.

- دائم بودن در نماز: (حوزه نظام‌سازی)

✓ دائم بودن در نماز به معنای دائم بودن در ذکر است.

✓ مقام شهادت دارد.

✓ مقام خلیفه الهی دارد.

✓ انعکاس صفات خدا (مجموعه اسماء حسنی)

- کسی که به مقام شهادت می‌رسد، حتماً به مقام وحی رسیده است.

- توجه: فلسفه ابتلائات در پرتوی دین، این است که فطرت انسان از غبار گرفتگی خارج شود.

توضیحاتی راجع به «لغو»، «لهو» و «لعب»:

- لغو: کار بیهوده و بی‌مقصد مشخص عقلانی (بی‌مبنا بودن، بدون روش بودن، بی‌ضابطه بودن)

- لهو: کار بیهوده‌ای که در آن «لذت» است.

- لعب: کار بیهوده‌ای که در آن «تکرار» است. (به آن بازی گویند)

عبث (التحقیق): عمل، بدون اینکه غرض عقلایی و فایده مقصود داشته باشد.

لعب (التحقیق): اشتغال به عملی که به وسیله آن عمل، فرد لذتی می‌برد بدون آنکه به نتیجه و فایده آن توجه داشته باشد.

باطل (التحقیق): مقابل حق است و ثبات و تحقق در آن نیست.

لغو (التحقیق): آن چیزی که بدون تفکر و بدون روش مشخصی انجام می‌شود و بدون پایگاه قوی عقلانی صورت می‌گیرد. لغو آن

چیزی است که به خاطر تمایل و تلذذ بدون نظر به نتیجه انجام می‌شود.

- در همه این واژه‌ها «بی‌فایده بودن» و «بی‌مقصد بودن» وجود دارد.

- این واژه در «باطل»، یعنی «لاشیء» هستند.

- توجه: ممکن است کاری از جهتی «باطل» باشد و از جهت دیگر «لغو» یا مثال: کسی که موسیقی گوش می‌دهد و نمی‌تواند آن

را ترک کند اگر به خاطر عادت به موسیقی گوش دهد، «لعب» است و اگر به خاطر لذت بردن باشد «لغو» است.

- توجه: مطلقاً کار بیهوده را «عبث» گویند اما «لهو» کار بیهوده‌ای که در سیستم انسان قرار دارد.

- آیه ۱۰: «يَرْثُونَ الْفِرْدَوْسَ»: حضرت علامه به ارث رسیدن فردوس را در این آیه به روایتی استناد داده و می‌فرمایند: برای هر انسانی

از همان بدو خلقتش بهشتی در نظر می‌گیرند. حال اگر او کافر شد، بهشتش را به مؤمن واگذار می‌کند.

- زندگی انسان جهت‌گیری‌های مثبت و منفی دارد. وقتی منفی باشد، سنگ‌اندازی و مزاحمت برای هدایت خود و دیگران ایجاد می‌کند. این مزاحمت برای مؤمنان، فرصت ایجاد می‌کند. هرچه کافر بیشتر بدی می‌کند، وسعت خوبی برای مؤمن بیشتر می‌شود. کافر با هر مزاحمتی مسیر هدایت را برای مؤمن باشکوه‌تر می‌کند.

- هرچقدر در مسیر هدایت گره بیشتری ایجاد شود، تدبیر مؤمن بیشتر می‌شود.

- سرمایه مؤمنان روز به روز بیشتر شده و سرمایه کافران «هباتاً منشورا» می‌شود.

- ارث: انتقال شیئی از کسی به کسی. در ارث وجود شیئیت بسیار مهم است.

- هر کس در زندگی به مشکلات بیشتری دچار است یعنی برای او ارث بیشتری گذاشته‌اند.

- «جریان»، متعلق به ایمان است.

- هر کسی هر خوبی در عالم انجام می‌دهد، به مؤمنین به ارث می‌رسد.

- مؤمن، فاعل همه خیرات است. بسیاری از خوبی‌ها برای فرد پدیدار نمی‌شود اما اگر مؤمن در معرض آن قرار گیرد، آن را انجام می‌دهد.

- همه مؤمنین حتماً جریان‌ساز خواهند بود.

- منظور از جریان‌سازی همه افرادی است که در آن جریان نقش دارند. مثلاً حضرت موسی فقط جریان‌ساز نبوده است بلکه مادرش

نیز جریان‌ساز بوده و موحد بوده که در یک لحظه به او وحی می‌شود که فرزندش را درون رود نیل بیندازد.

- رمز موفقیت افرادی مانند مادر امام خمینی و بانو امین و ... در این بوده که آنها فهمیدند:

✓ خدا هست.

✓ همه چیز را خدا به انسان می‌دهد.

✓ به خدا حُسن ظن داشتند.

✓ نباید گناه انجام دهند.

- در سوره مبارکه فاطر آمده است که مؤمنین در قیامت می‌گویند: خدا را شکر که غلّ ما نسبت به همدیگر برطرف شد» و این نشان

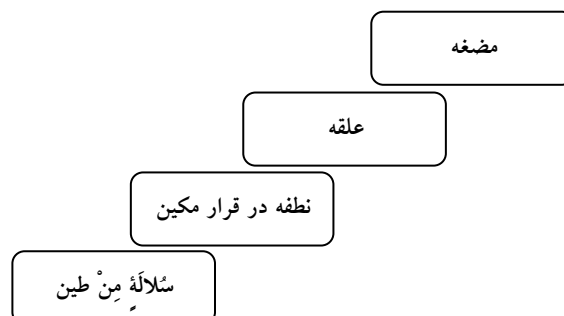
می‌دهد که مؤمنین در زمان حیاتشان نیز نسبت به همدیگر غلّ دارند.

- در نتیجه: مؤمن در هر حالتی برایش خیر است. هم در برخورد با مؤمن دیگر و هم در برخورد با کافر.

- گوهر ایمان باعث می‌شود در هر حالتی فرد از مواهب الهی به نحو احسن استفاده کند.

آیات ۱۲ تا ۱۶:

- این آیات درباره خلقت اولیه انسان که «سَلَالَةٌ مِنْ طِينٍ» است، سخن می‌گوید. سپس درباره نطفه که در «قَرَارِ مَكِينٍ»، قرار می‌گیرد.



- در همه این مراحل نسبت به مرحله قبلی:

۱) «پیوستگی» وجود دارد.

۲) در عین پیوستگی «تمایز» هم وجود دارد. (تمایزی غیر قابل مقایسه)

۳) خلق دیگر در بین مراحل وجود دارد.

۴) هر کدام اقتضائات مربوط به خود دارد (مبدأ و مقصد دارد. مقصد هر کدام، مبدأ مرحله بعد است. موت و حیات در پی هم وجود دارد)

- هر کدام از این مراحل «فلق» است یعنی هر مرحله، یک مرحله‌ای در قبل و مرحله‌ای در بعد دارد.

- هر مرحله با مرحله قبل آنچنان تمایز دارد و فصل فصل است که به راحتی می‌توان مفهوم فصل را در این مراحل فهم کرد.

- در واقع می‌توان مفهوم تفصیل را از مراحل رشد انسان دریافت کرد زیرا در عین حالی که پیوستگی دارد، تمایز غیر قابل مقایسه نیز وجود دارد.

- وقتی می‌گوید: «خلق دیگر دارد»، یعنی اقتضائات مخصوص به خود دارد.

- اگر انسان همه زندگی را مشابه نظام از طین تا خلق آخر بگیرد:

۱- لزوم طی مراحل و تکمیل آن قطعی می‌شود.

مثال: اگر کسی می‌خواهد به مرحله پنجم رشد که «ادای امانت و عهد» است برسد باید مراحل قبلی را طی کند.

۲- مراحل بعدی حاصل استمرار مراحل قبلی است (صبر). هر کار خیری اقتضای کار خیر بعدی را فراهم می‌کند (اختیار).

«اختیار» یعنی خدا نظامی قرار داده است که اگر کسی خیری را انتخاب کند به خیر بالاتری می‌رسد.

۳- هر مرحله‌ای «أجل» دارد. این همان مفهوم نماز قضا است. (فعال شدن در لحظه‌ها و موقعیت‌ها در هر مرتبه شناسایی شود)

توجه: از وجود نماز قضا باید بفهمیم که تأخیر در کارهای خیر ما قابلیت قضا شدن دارد و هیچ کس حق ناامید شدن ندارد.

ما چون می‌خواهیم «عبد» باشیم نباید بگذاریم نمازهایمان از وقت اصلی بگذرد و یا دیر شود.

هر کار خیری کار خیر بعدی را می‌آورد و چون کار خیر قبلی انجام نشده است، کار خیر بعدی ظهور پیدا نمی‌کند.

۴- همان‌گونه که تأخیر موجب لطمه زدن است، «عجله» نیز آسیب می‌زند.

۵- وقفه (گناهان و شرور) در فعالیت‌ها ممکن است تبعات بسیار زیادی داشته باشد.

- حضرت علی (علیه‌السلام): «کم گناهان را کم نشمارید و زیاد کارهای خیر را زیاد نشمارید».

- در نظام انسانی وقتی روح ایمان به کسی القاء می‌شود همه مقدراتش از زمین تا آسمان با فردی که روح ایمان در او نیست متفاوت می‌شود.

- هر جریانی در عالم مراحل زیر را دارد (هر آنچه که مخلوق است):

✓ انشاء

✓ استمرار

✓ مقصد (موت)

✓ بعث (اعاده)

زنگ دوم:

- وقتی زندگی انسان از منظر مراحل دیده شود واژه‌های جدیدی خلق می‌شود.
- زندگی ساحت فردی / اجتماعی / جامعه پیدا می‌کند. (منظور از اجتماع یعنی همان‌طور که برای فرد هویت قائلیم، برای جامعه نیز هویت قائلیم).
- در قرآن جامعه را «امت» نامیده است.
- این زنگ یک مرتبه سوره به طور کامل پخش شد و توضیحات دیگری داده نشد.

تکلیف جلسه آینده:

برای اینکه نمازهایمان عاشورایی شود و به سیره سیدالشهدا راه پیدا کنیم، باید «المانها، عناصر و مطالبی از سوره مبارکه مؤمنون را استخراج کنیم تا در نمازهایمان «خشوع» و «حفظ» ایجاد شود.

یا رسول الله دست ما را بهم بگیر

اللهم صل على محمد وآل محمد والحمد لله رب العالمين